



حمیدرضا حلاجیان - غذاهای هر جامعه‌ای رابطه بسیار تنگاتنگی با فرهنگ، جغرافیا، طبع و سلايق آن جامعه دارد. البته، با افزایش ارتباطات و رفت و آمد مردم جوامع مختلف باهم، یکی از موارد در تبادلالت فرهنگی، خواسته یا ناخواسته، تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری بر فرهنگ غذایی کشورهاست. در این بین، «پیترز» یکی از پرطرفدارترین غذاهایی است که ایرانی‌ها از سال ۱۳۴۰، برای اولین بار، با شکل مدرن و امروزی‌اش آشنا شدند. اما شاید جالب باشد که بدانید، اگر به قرن‌ها قبل، یعنی به دوران حکمرانی اشکانیان برویم، متوجه خواهیم شد که پیترز (البته به شکل آن زمانی خودش) از ایران به ایتالیا یا روم آن روز «صادر» شد و در سال ۱۳۴۰، کشور ما ظاهراً واردکننده غذایی بود که در حدود هزار سال قبل، آن را به مردم ایتالیا معرفی کرد. گویا در جریان جنگ‌های ایران و روم، سربازان رومی، روش پخت نان گرد را که با پنیر و خرما همراه بود، از ایرانیان فراگرفتند. سربازان ایرانی این نان را روی سبزه‌های خودشان می‌پختند و ظاهراً خیلی خوشمزه درمی‌آمد آن قدر که حتی بدخوراک‌ترین رومی هم نمی‌توانست به آن نه بگوید! با این حال، وقتی جدید پیترز ایتالیا به این کشور حاشیه مدیریت‌انه برده شد، مردم دست به فرآوری و تغییر آن زدند. در روم، روغن زیتون به فراوانی یافت می‌شد و همین موضوع رومیان را به اضافه کردن روغن زیتون به پیترز اترغیب کرد؛ اما این آغاز کار بود و به تدریج، مخلفات دیگری را هم بر آن افزودند تا با گذشت زمانی طولانی، طعم امروزی آن به دست آید؛ تا «آقاداود»، مؤسس اولین پیترزافروشی ایران، یک‌شب به همراهی دوستش در یک کافه آلمانی، طعم پیترزای ایتالیایی را بچشد و آن را به همین شکل، در سال ۱۳۴۰، به ایرانیان عرضه کند.

ماجرای باز شدن پای فوتبال به مشهدِ دوره قاجار!

چگونه نخستین تیم مشهدی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، پشت باغ ملی شکل گرفت؟



عکس تزیینی است - دور نمایی از ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) در سال ۱۳۱۴

جواد نوائیان رودسری - می‌گویند فوتبال در سال ۱۲۷۸ ش وارد ایران شد؛ آن هم به وسیله کارگران انگلیسی شرکت نفت در مسجد سلیمان. نخستین بازیکن ایرانی هم آقای به نام کریم زندی بود که از سال ۱۲۸۷ تا ۱۲۹۷ ش به مدت ۱۰ سال، برای تیم‌های انگلیسی، پا به توپ می‌شد. بعدها هم این ورزش به پایتخت رسید و عده‌ای جوان پر شور، شیفته‌اش شدند. به این ترتیب، تب فوتبال همه جای ایران را فراگرفت و امروز، محبوب‌ترین ورزش در میان مردم ماست. اما قصه فوتبال در مشهد، حکایت متفاوتی دارد؛ حکایتی که هم شیرین و خنده‌دار است و هم کمی ناراحت‌کننده.

اولین باشگاه بله، اولین تیم نه!

قصه تأسیس باشگاه فوتبال در مشهد به سال ۱۳۰۳ ش و ایجاد باشگاه فردوسی بازمی‌گردد. مرحوم علیرضا ریاضی در کتاب «راهنمای مشهد»، به درستی می‌نویسد که نخستین باشگاه ورزشی در مشهد که البته فوتبال هم در آن جایگاهی داشت، همین باشگاه فردوسی بود که در آن زمان، نام «انجمن فردوسی» را رویش گذاشته بودند. بنیان‌گذاران این موسسه ورزشی، افرادی مانند محمود صباغی، حسن بهمنیار، طاهر بهادری، گلشن آزادی، محمدرضا کیمیاوی، احمد پارسا، محمدحسین قدوسی، حسین میلانی، اسد... مدرس رحمانی، اوکثائی و علی‌اکبر جهانپانی بودند. می‌توان گفت که باشگاه فردوسی نقش بسیار مهمی در گسترش ورزش‌های نوین در مشهد داشته است؛ اما نکته جالب توجه این جاست که برخلاف باور خیلی‌ها، از جمله مرحوم ریاضی، باشگاه فردوسی باعث تشکیل اولین تیم فوتبال مشهد نشد و این تیم را، حداقل سه چهار سال پیش از آن که فکر تأسیس باشگاه فردوسی به ذهن مؤسسانش برسد، یک گروه کوچک از جوانان مشهدی، آن هم در شرایطی که هیچ امکاناتی در اختیار نداشتند، راه‌انداختند.

تشکیل تیم «پشت باغ ملی»

اواخر دوره قاجار، بازار انتشار نشریات در کشور داغ بود؛ فضای باز سیاسی به این رویکرد کمک می‌کرد. در این زمان، اخبار ورزشی هم به بخشی از ستون‌های مطبوعاتی جراید ایران تبدیل شده بود. انتشار اخبار ورزشی و به‌ویژه اخبار مربوط به فوتبال، ورزش جدیدی که به تدریج طرفداران زیادی در میان جوانان ایرانی پیدا می‌کرد، باعث شد که حس کنجکاوی تعدادی از جوانان تحصیل کرده مشهدی، که سرشان برای هیجان و جنب و جوش درد می‌کرد، برانگیخته شود. سلسله‌جنبان این گروه، اصغر فرمانفرمایی قاجار بود؛ یکی از مترجمان زبردست چند نسل بعد که اواخر دوره قاجار، کارمند اداره مالیه مشهد یا به قول امروزی‌ها دارایی محسوب می‌شد. فرمانفرمایی که تسلط خوبی به زبان فرانسوی داشت و گفتیم که در عرصه ترجمه هم فعال بود، مستقیماً با فدراسیون فوتبال فرانسه مکاتبه کرد و از آن‌ها خواست کتاب قوانین این ورزش و چند

تیم دیگری وجود نداشت! فرمانفرمایی و دوستانش، خودشان دو دسته می‌شدند و فوتبال بازی می‌کردند. اما مشکل فقط در فقدان حریف بروز و ظهور پیدا نمی‌کرد. وقتی که قرار شد لباس رسمی فوتبال را هم نشان کنند و کفش‌های این ورزش را به پا، در دسر دیگری شروع شد؛ لباس آستین کوتاه و شورت ورزشی برای مشهدی‌های سال ۱۲۹۸ ش، کمی که چه عرض کنم، خیلی نامتعارف بود. به همین دلیل اعضای تیم فوتبال پشت باغ ملی، برای برگزاری بازی‌های پرهیجان، با مشکل روبه‌رو می‌شدند. تازه مشکل به همین جا ختم نمی‌شد؛ زمین مسطحی که بشود بدون دغدغه و مزاحمت در آن فوتبال بازی کرد، خیلی کم گیر می‌آمد. مادر باره محل برگزاری بازی‌های دوستانه تیم پشت باغ ملی، اطلاعاتی در اختیار نداریم، اما محوطه بزرگ انتهای خیابان ارگ، جایی که یک دهه بعد میدان بزرگ ارگ و کافه اتحاد در آن ساخته شد، در نزدیکی محل شکل‌گیری تیم فوتبال پشت باغ ملی مشهد، می‌توانست جای مناسبی برای برگزاری این بازی باشد. هر چند که هر فعالیت جدیدی، به هر حال مخالفانی دارد و علاقه‌مندان برای رفع این مخالفت‌ها باید صبوری کنند. نخستین مسابقه رسمی فوتبال در شهر مشهد، تا ۱۶ سال بعد از تأسیس تیم پشت باغ ملی برگزار نشد. در سال ۱۳۱۴ ش، برای نخستین بار، تیم باشگاه فردوسی با تیم دبیرستان نظام مسابقه داد و بازی را پنج بر صفر بُرد؛ اما بعید می‌دانم که بازیکنی از آن تیم رؤیایی، تیم پشت باغ ملی، در این مسابقه شرکت کرده باشد. فوتبال در شهر مشهد، مدیون افراد دیگری هم هست، یکی از آن‌ها، آقای رفیعاست؛ نخستین دبیر ورزش دبیرستان فردوسی که هر چه در توان داشت، به کار گرفت تا فوتبال را در میان جوانان مشهدی جایبندازد. امروز مشهد با وجود سه ورزشگاه بزرگ، یکی از قطب‌های فوتبال کشور است.

توپ فوتبال را در اختیار علاقه‌مندان مشهدی قرار دهند. فدراسیون فوتبال فرانسه به این درخواست پاسخ مثبت داد و به این ترتیب، کتاب قوانین فوتبال و دو سه تا توپ رسمی این ورزش را برای نخستین مشهدی‌های فوتبال دوست ارسال کرد. این را هم بگوییم که تا این زمان، روح مشهدی‌ها از وجود ورزشی به نام فوتبال خبر نداشت و در واقع این توپ و کتاب، اولین نشانه حضور فوتبال در مرکز ایالت خراسان بود. محل گردهمایی فوتبالیست‌های مشهدی، جایی پشت باغ ملی، فعلی در خیابان ارگ قرار داشت؛ بنابراین شاید بتوانیم به این تیم، «تیم پشت باغ ملی» بگوییم!

تیم «پشت باغ ملی» آماده مسابقه است

به این ترتیب، نخستین تیم فوتبال مشهد، تشکیل شد و برای مسابقه اعلام آمادگی کرد؛ اما کدام تیم حاضر بود تا در برابر این فوتبالیست‌های آماده قد علم کند؟ معلوم است، هیچ تیمی! چرا؟ چون اصلاً

فرجام تلخ

خانواده سرهنگ پولادین

سرهنگ محمود پولادین، یکی از افسران برجسته ژاندارمری در اواخر دوره قاجار بود. از او به عنوان فردی که دوره‌های عالی نظامی را طی کرده و مدارج نظامی را به دلیل شجاعتش به دست آورده است، یاد کرده‌اند. پولادین به عنوان یک ژاندارم، رابطه خوبی با قزاق‌ها نداشت. به همین دلیل، پس از به قدرت رسیدن رضاخان، اطرافیان نظامی پهلوی اول که بیشتر در کسوت فوج قزاق بودند، بر پولادین سخت گرفتند و در نهایت، او را متهم به کودتا علیه رضاخان کردند. پولادین پس از یک محاکمه سریع در دادگاه نظامی، به مرگ محکوم شد و خانواده‌اش هیچ گاه نفهمیدند که وی را کجا دفن کرده‌اند. با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و فرار رضاخان، پرنده اعدام سرهنگ پولادین، دوباره به جریان افتاد و جزئیاتی از نحوه برخورد رضاخان با خانواده وی منتشر شد که بسیار غیرانسانی بود.

برخور در شاه با کودکان بی پناه

مجله «خواندنی‌ها» در شماره روز ۶ آبان سال ۱۳۲۳ خود، به نقل روایت جنایت رضاخان علیه خانواده سرهنگ پولادین پرداخت: «در ابتدای جاده مخصوص شمیران، چند نفر بانو با یک زن جوان که معلوم بود به زودی مادر می‌شود، بادو پسر که یکی ۷ و یکی ۹ ساله بود، انتظار رسیدن خودر و شاه را داشتند. به محض رسیدن ماشین، زن جوان خود را جلوی آن انداخت و در حالی که مؤدبانه پا کتی روی دست گرفته بود، پیش رفت و پس از دادن پاکت، با جملاتی متین گفت: این اطفال بی‌گناه، خانواده بی سرپرست سرهنگ پولادین است که عاجزانه استدعای عفو دارند. شاه به محض شنیدن این نام، متغیرانه پیاده شد و به افسران اسکورتی که در حضورش ایستاده بودند، امر به زدن آن خانواده محترم و نجیب داد و شخصاً، با عصایی که در دست داشت، به قدری اطرافیان آن زن و اطفالش رازد که آن زن جوان، سقط جنین کرد. یکی از بانوان و اطفال بی‌گناه هم در اثر ضربه‌های سخت، به زمین افتاده و بیهوش شدند.»

بالاترین
WE COMPLETE QUALITY

Beralin
WE COMPLETE QUALITY
ROCK CANDY
22 PCS 400 Gr±15gr

Beralin
WE COMPLETE QUALITY
SAFFRON
Pure Iranian
2,304 Gr±100gr

Beralin
WE COMPLETE QUALITY
SAFFRON
Pure Iranian
4,608 Gr±100gr

به زودی

ارتباط با ما | ۰۲۱-۸۸۰۳۹۰۹۴
contact us | 021-88039094